

ORIGINAL ARTICLE

The Fourth Approach to Grounded Theory; Quantum Grounded theory in Practice

Mehran Mesri^{1*} , Reza Sepahvand² 

1. Ph.D Student Department of Public Administration, Human Resources Management, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

2. Professor, Department of Business Administration, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

Correspondence

Mehran Mesri

E-mail: Mesri.me@fc.lu.ac.ir

Receive: 23/Oct/2024

Revise: 27/Jon/25

Accept: 08/Mar/2025

How to cite

Mesri, M & Sepahvand, R (2025). The Fourth Approach to Grounded Theory; Grounded Quantum Theory in Practice. *Public Organization Management*, 13(2), 1-18.

ABSTRACT

The purpose of developing grounded theory is to build a theory based on data. The three previous approaches of grounded theory have obvious operational weaknesses. In order to cover the operational weaknesses of previous approaches and quantify their gaps, a fourth approach to grounded theory was presented under the title of quantum approach. The aim of this research is to show that the quantum approach has the necessary efficiency in practice and has covered the weaknesses of previous approaches. In the previous approaches, there were operational weaknesses in the place of research literature in theorizing, confusion in the discovery of open codes, inattention to the studied society and the study platform, which seemed efficient only from a theoretical aspect, but in practice confused the researcher. Method: To overcome this weakness, a quantum approach to ground theory was presented, which is based on four stages of coding and twelve basic steps, which is based on the theory of quantum entanglement, which indicates that electrons around the nucleus of the atom apart from affecting The nucleus of the atom has opposite behavior to each other. Findings: Borrowing from this theory, it was concluded that the central category is the result of the effects of factors that have opposing behavior with each other, that is, two categories of constructive factors and inhibitory factors. Finally, a model based on the quantum shape of the atom was presented for this approach. Also, the case study findings showed that 44 primary big data, 98 micro data, 38 secondary big data and 5 super data were identified from the positive side. Also, on the negative side, 13 primary big data, 32 small data, 11 secondary big data and 2 super data were identified. Results: The results showed that managerial skill, managerial attitude, and managerial intelligence were among the constituent factors, managerial thinking and managerial awareness were among the facilitating factors, personalization was among the inhibiting factors, and expediency was among the moderating factors. Also, strategies, obstacles, consequences of formation and consequences of non-formation were identified.

KEYWORDS

Grounded Theory, Quantum Entanglement, Grounded Theory Quantum Approach.



چهارمین رویکرد به گراند تئوری؛ گراند تئوری کوانتومی در عمل

مهرا ن مصری^{۱*}، رضا سپهوند^۲

چکیده

هدف از توسعه گراند تئوری ساخت نظریه براساس داده‌ها است سه رویکرد قبلی گراند تئوری دارای ضعف‌های عملیاتی بارزی است. برای پوشش ضعف‌های عملیاتی رویکردهای قبلی و احصای شکاف‌های آن‌ها چهارمین رویکرد به گراند تئوری تحت عنوان رویکرد کوانتومی ارائه شد. هدف این تحقیق این است نشان دهد رویکرد کوانتومی در عمل کارایی لازم را دارد و ضعف‌های رویکردهای پیشین را پوشش داده است. در نتیجه یک کیس مطالعاتی مدیریتی با رویکرد کوانتومی تست خواهد شد تا کارایی این رویکرد در عمل اثبات گردد. در رویکردهای قبلی ضعف‌های عملیاتی در جایگاه ادبیات تحقیق در نظریه‌پردازی، سردرگمی در کشف کدهای باز، بی‌توجهی به جامعه مورد مطالعه و بستر مطالعه وجود داشت که فقط از جنبه تئوریک کارآمد به نظر می‌رسید اما در عمل محقق را سردرگم می‌ساخت. برای گذر از این ضعف، رویکرد کوانتومی به گراند تئوری ارائه شد که مبتنی بر چهار مرحله کدگذاری و دوازده گام اساسی است که اساس این رویکرد نظریه درهم تنیدگی کوانتومی است که اشاره به این دارد که حول هسته اتم الکترون‌ها جدا از اثرگذاری بر هسته اتم دارای رفتار متضاد با یکدیگر هستند. یافته‌ها نشان داد که با عاریه گرفتن از این نظریه این نتیجه حاصل شد که مقوله محوری حاصل اثرگذاری عواملی است که دارای رفتار متضاد با یکدیگر هستند یعنی دودسته عوامل سازنده و عوامل بازدارنده. در نهایت الگویی براساس شکل کوانتومی اتم برای این رویکرد ارائه شد. همچنین یافته‌های کیس مطالعاتی نشان داد از جنبه مثبت ۴۴ کلان داده اولیه، ۹۸ داده خرد، ۳۸ کلان داده ثانویه و ۵ ابر داده شناسایی شد. همچنین از جنبه منفی ۱۳ کلان داده اولیه، ۳۲ داده خرد، ۱۱ کلان داده ثانویه و ۲ ابر داده شناسایی شد. نتایج نشان داد که مهارت مدیریتی، نگرش مدیریتی و هوش مدیریتی جزء عوامل تشکیل‌دهنده، تفکر مدیریتی و آگاهی مدیریتی جزء عوامل تسهیلگر، شخصی‌سازی جزء عوامل بازدارنده و مصلحت‌اندیشی جزء عوامل تعدیلگر قرار گرفت. همچنین راهبردها، موانع، پیامدهای شکل‌گیری و پیامدهای عدم شکل‌گیری شناسایی شدند.

واژه‌های کلیدی

گراند تئوری، درهم تنیدگی کوانتومی، رویکرد کوانتومی، گراند تئوری.

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، گرایش مدیریت منابع انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
۲. استاد، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

نویسنده مسئول: مهرا ن مصری

رایانامه: Mesri.me@fc.lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

مصری، مهرا ن و سپهوند، رضا (۱۴۰۴). چهارمین رویکرد به گراند تئوری؛ گراند تئوری کوانتومی در عمل. فصلنامه علمی مدیریت سازمان‌های دولتی، ۱۳(۲)، ۱۸-۱.



مقدمه

اكتساب دانش فرايند استخراج، تبديل و انتقال تخصص از يك منبع دانش است. ثبت تجربه‌های، انتقال دانش میان اشخاص و بخش‌های سازمان، دارایی‌های دانشی سازمان و جامعه را غنی ساخته و زمینه‌های تسهیل رشد و توسعه دانش را فراهم می‌سازد. نهادها و سازمان‌های کشور برای خدمات بهتر، توانمندسازی مستمر کارکنان و سازگاری با شرایط، رویکرد دانش‌بنیان را برمی‌گزینند. این اقدامات بدون تمرکز پیوسته بر خلق، به‌روزرسانی، در دسترس قرار دادن و کاربری دانش از سوی مدیران و کارکنان و تیم‌های کارشناسی اتفاق نخواهد افتاد (سالاری و ابراهیمی، ۱۳۹۸). در حالی که تجربه مدیریتی اغلب با بهبود عملکرد مرتبط است، برخی از مطالعات نشان می‌دهند که این رابطه می‌تواند ضعیف و ناسازگار باشد که نشان می‌دهد عوامل دیگری نیز ممکن است نقش مهمی در موفقیت سازمان داشته باشند. این نیاز به درک دقیقی از نحوه تعامل تجربه با پویایی‌های مختلف سازمانی را برجسته می‌کند (صفرقلی، ۲۰۲۴).

گرواندد تئوری به هیچ روش خاصی برای جمع‌آوری داده‌ها محدود نمی‌شود، اما از انواع روش‌های جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌کند که بهترین تناسب را با مشکل واقعی و تجزیه و تحلیل مداوم داده‌های تحقیق داشته باشد. کدها و مفاهیم از داده‌ها در طول تجزیه و تحلیل ساخته و توسعه می‌یابند که خود این کار مسیر جمع‌آوری بیشتر داده‌ها را هدایت می‌کند (ترونبرگ، ۲۰۱۷).

گرواندد تئوری نسل نظریه‌ای است که بر تعاملات اجتماعی انسان تأکید می‌کند. رفتاری که مبتنی بر داده‌ها است و به‌طور سیستمی از طریق فرایندهای اجتماعی جمع‌بندی می‌شود. گرواندد تئوری توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی گلیرز^۵ (۱۹۳۰-۲۰۲۲) و کوربین و استراوس^۶ (۱۹۱۶-۱۹۹۶) برای اولین بار توسعه یافت.

نظریه زمینه‌ای در سال ۱۹۶۷ در تحقیقات اجتماعی کیفی از طریق کتاب آن‌ها (کشف نظریه زمینه‌ای) ظهور یافت (موهاجان و همکاران، ۲۰۲۳). در بررسی تاریخچه گرواندد تئوری سه رویکرد عمده نمایان است، رویکرد ظاهرشونده که توسط بارنی گلیرز با همراهی استراوس ارائه شد، رویکرد نظامند که توسط کوربین و استراوس ارائه گردید و رویکرد ساختارمند که توسط کتی چارمز معرفی شد. این رویکردها هر

گرواندد تئوری به‌عنوان یک رویکرد تحقیقاتی رایج در بسیاری از شاخه‌ها ظاهر شده است. گرواندد تئوری یکی از محبوب‌ترین طرح‌های تحقیقاتی در جهان است. هزاران نشریه وجود دارد که در مورد مطالعات با استفاده از گرواندد تئوری گزارش می‌دهند (بیرکس و میلز، ۲۰۱۵). روش نظریه زمینه‌ای شامل مجموعه‌ای از راهبردهای استقرایی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها است. این بدان معناست که شما با هدف ترکیب، توضیح و درک داده‌های خود و شناسایی روابط داخلی الگو، به وسیله موارد فردی، حوادث یا مقوله‌های مفهومی انتزاعی‌تر را به تدریج تجربه می‌کنند و توسعه می‌دهند.

روش‌های گرواندد تئوری به افراد تازه کار و قدیمی اجازه می‌دهد به‌طور یکسان برای انجام تحقیقات کیفی کارآمد و مؤثر باشند زیرا این روش‌ها به ساختار و سازمان‌دهی جمع‌آوری داده‌ها کمک می‌کنند و تحلیل داده‌ها ویژگی‌های متمایز نظریه زمینه‌ای نسبت به سایر روش‌ها است (چازمر، ۲۰۱۵). از بین تمام تحقیقات کیفی، گرواندد تئوری به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد که به بررسی فرایندهای اجتماعی موجود در تعاملات انسانی می‌پردازد، اهمیت ویژه‌ای در مطالعات اجتماعی دارد. ماهیت گرواندد تئوری این است که از تحلیل پدیده‌های خاص اجتماعی، یک تئوری جامع و عمومی ارائه دهد. این روش می‌تواند تغییرات فرایندهای اجتماعی را در طول زمان بررسی نماید (فتحی نجفی و لطیف‌نژاد، ۱۳۹۵).

تجارب مدیریتی به‌طور قابل‌توجهی بر نتایج آموزشی، مشارکت و سطح رضایت تأثیر می‌گذارد. تجربه مدیریت نقش مهمی در افزایش عملکرد سازمانی و هدایت محیط‌های تجاری پیچیده ایفا می‌کند. این ابعاد مختلف از جمله تجربیات فردی، مشترک و سازمانی را در برمی‌گیرد که در مجموع به تصمیم‌گیری و رهبری مؤثر کمک می‌کند. تجربه مدیریتی برای رسیدگی به چالش‌ها و ایجاد یک محیط کاری انگیزشی حیاتی است. تجربه به مدیران اجازه می‌دهد تا شایستگی‌هایی را توسعه دهند که با موقعیت‌های کاری آن‌ها همخوانی داشته باشد همچنین تحول مؤثر و سازگاری را در محیط‌های آشفته تسهیل کند (الزقافی و جاراد، ۲۰۲۴).

اكتساب دانش فرايند تفسير دانش حوزه‌ای خاص است که فرد به کمک آن فعالیت‌های آن حوزه را انجام می‌دهد.

4. Thornberg
5. Glaser
6. Corbin & Strauss

1. Birks & Mills
2. Charmaz
3. Al-Thaqafi & Jarad

در تحقیقات کیفی نیز از زمان معرفی رشد ثابتی داشته است (مارکی و نیلی، ۲۰۲۱).

نظریه پردازان زمینه‌ای با داده‌های استقرایی شروع می‌کنند، در استراتژی‌هایی برای تقویت تحلیل دقیق شرکت می‌کنند، هدفشان توسعه نظریه‌هایی است که داده‌ها را توضیح می‌دهند. تفاوت‌های عمده بین نظریه‌پردازان پایه و سایر پژوهشگران کیفی مدت‌هاست که حول موضوع پیش‌فرض‌ها می‌چرخد. پیش‌فرض‌ها مهم هستند و بر تحلیل محققان تأثیر می‌گذارند. احساس عمیق ارتباط با شرکت‌کنندگان در تحقیق ممکن است در ظاهر نامرئی باقی بماند اما شور و شوق و تعقیب محقق را شعله‌ور سازد (چالمرز، ۲۰۲۱).

پرکاربردترین روش تحقیق کیفی، نظریه زمینه‌ای است. نظریه زمینه‌ای طرح پرس‌وجو است که در آن جمع‌آوری داده‌های ذهنی و تحلیل مفهومی برای توسعه یک نظریه تحت یک فرایند تکرارشونده قرار می‌گیرد. روش تحقیق کیفی مشخص کرده است که چارچوب‌های فلسفی و نظری به کار رفته در یک تحقیق سیستماتیک در تنظیم پدیده‌های اجتماعی مؤثر است. رویکرد نظریه زمینه‌ای از یک روش سیستماتیک و مقایسه‌ای استفاده می‌کند که برای درک الگوهای فرایندهای اجتماعی (اقدامات، رفتارها و تعاملات) در طول زمان برای ایجاد یک نظریه، تجزیه و تحلیل می‌کند (اورسی، ۲۰۲۱). دغدغه و علاقه محقق به موضوع تحقیق اولین اصل شروع نظریه زمینه‌ای است. تا قبل از شناخت دقیق و اشراف بر موضوع، محقق نباید هیچ‌گونه سؤال از پیش تعیین شده‌ای داشته باشد. موضوع بررسی و مرور ادبیات در گراند تئوری بسیار بحث‌انگیز است.

گلیزر (۱۹۷۸)، اعتقادی به بررسی پیشینه پژوهش در نتایج تحقیق داشتن اما چارمز (۲۰۱۴) و استراوس و کوربین (۲۰۱۵) تأکید بر استفاده از پیشینه پژوهش دارند. تأکید بر پیوستگی گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها اصل جدایی‌ناپذیر نظریه زمینه‌ای است. علاوه بر این موارد پیروی از اصل یادداشت نویسی است، یعنی محقق به‌منظور توسعه تفکر در رویه کدگذاری‌ها در روند تحلیل داده‌ها تأمل کند (کیورشی و اونلو، ۲۰۲۰).

تحقیقات نظریه زمینه‌ای به یکی از محبوب‌ترین طرح‌های تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در سراسر جهان

یک تحولی در گراند تئوری بودند اما عاری از ضعف نبودند. برای مثال می‌توان به عدم تفاهم و توافق در به‌کارگیری داده‌های اولیه و داده‌های ثانویه در دو رویکرد ظاهرشونده و نظامند اشاره کرد. در نتیجه سعی بر آن شد رویکرد جدید به گراند تئوری ارائه شود که نقاط ضعف رویکردهای قبلی را پوشش و صریح‌تر و قابل‌درک‌تر باشد. اساس این رویکرد نظریه درهم تنیدگی کوانتوم است. این نظریه بیان می‌کند که الکترون‌های حول هسته اتم علاوه بر تأثیرگذاری بر هسته اتم، بدون محدودیت مکان از یکدیگر متأثر و رفتار متضاد دارند یعنی خلاف جهت یکدیگر بر روی محوهای مختلف در حال حرکت هستند. حال اگر هسته اتم را مقوله محوری در نظر بگیریم، و الکترون‌ها عوامل مؤثر بر آنان، از تضاد جهت الکترون‌ها این نتیجه حاصل خواهد شد که عواملی متضاد با عوامل تشکیل‌دهنده و عوامل تسهیلگر وجود دارند که تأثیرگذار بر مقوله محوری هستند یعنی عوامل بازدارنده و عوامل تعدیلگر، این موضوعی است که رویکردهای گذشته گراند تئوری هیچ‌کدام به آن اشاره‌ای نداشته‌اند. در همین راستا رویکردی با عنوان گراند تئوری کوانتومی طرح‌ریزی شد که در این تحقیق برای اثبات کارایی این رویکرد بر روی یک کیس مطالعاتی آزمایش خواهد و سؤال اصلی این تحقیق این است که آیا رویکرد کوانتومی به گراند تئوری در عمل کارایی لازم را خواهد داشت؟

مبانی نظری

گراند تئوری

بارنی جی. گلیزر و آنسلم ال استراوس (۱۹۶۷)، مبتکران نظریه زمینه‌ای، روش را با راهبردهایی همراه تجزیه و تحلیل کنش‌ها و فرایندهای فردی و جمعی را برای مفهوم‌سازی، طراحی کرده‌اند. گراند تئوری یک روش‌شناسی استقرایی است و بر کشف نظریه از داده‌ها تمرکز دارد. در حوزه تحقیقاتی نظریه زمینه‌ای نویسندگان برجسته‌ای همچون بارنی گلاسر. آنسلم استراوس، ژولیت کوربین و کتی چارماز هستند که به انتقاد، توسعه و شفاف‌سازی در مورد انواع مختلف کارکردهای گراند تئوری پرداخته‌اند (موهاجان، ۲۰۲۳). اگرچه هیچ رویکرد واحدی برای نظریه زمینه‌ای وجود ندارد و روش‌شناسی از آن زمان دستخوش تغییرات زیادی شده است. اما اولین بار توسط گلاسر و استراوس در سال ۱۹۶۷ معرفی شد و به رویکرد کیفی پیشرو در رشته‌های مختلف تبدیل شده است. نظریه زمینه‌ای

1. Makri & Neely
2. Urcia
3. Qureshi & Ünlü

این رویکرد سازمان‌ها را تشویق می‌کند تا نواقص را بپذیرند و از شکست‌ها درس بگیرند، که در نهایت منجر به انعطاف‌پذیری و رشد می‌شود. با ادغام اصول کینتسوگی، مدیران می‌توانند فرهنگی را پرورش دهند که به بهبود و تحول ارزش قائل است، که به‌ویژه در مواقع بحران مرتبط است. کینتسوگی می‌آموزد که عیوب و زخم‌ها داستانی را بیان می‌کنند و شیء تعمیر شده را زیباتر و ارزشمندتر می‌کنند (ماهاجان^۳، ۲۰۲۲).

تفکر جانبی

ادوارد دوبونو تفکر را به دو قسمت تقسیم کرد: تفکر عمودی یا تفکر سنتی و تفکر جانبی که به روش‌های مختلف و یافتن راه‌حل‌ها از زوایای جدید است. بنابراین تفکر جانبی نوعی تفکر است که به دنبال راه‌حلی است که به روش‌های غیرمعمول باید انجام گیرد و این مهارت خلاقانه به شکلی است که همه مردم می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. در تفکر جانبی سه موقعیت عملی وجود دارد که استفاده از این نوع تفکر را تشویق می‌کند: طراحی، توصیف و حل مسئله (عباسی، ۱۴۰۱).

تفکر جعبه سیاهی

این تفکر گویایی این است برای تجزیه و تحلیل مشکلات و مسائل باید همه رویدادها و اتفاقات بررسی شود. مانند جعبه سیاه هواپیما که تمامی اتفاقات را داخل خود ذخیره می‌کند تا هنگام بروز مشکل با دیدگاه جامعی مشکلات را ریشه‌یابی کنند (میتو سید، ۱۴۰۲).

پیشینه پژوهش

الف) پیشینه پژوهش مربوط به گراند تئوری

بارنی گلیزر (۱۹۶۷)، رویکردی را تحت عنوان «ظاهر شونده برای گراند تئوری» معرفی کرد. این رویکرد حاصل کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی داده‌های اولیه بود که نتایج آن شامل شناسایی علل، عوامل وابسته با علل اصلی، اقتضات، شرایط میانجی و پیامدها بود و در آخر مدل مفهومی برای درک بهتر ارائه داد.

آنسلم استراوس و جولیت کوربین (۱۹۹۸)، رویکردی را تحت عنوان «نظامند برای گراند تئوری» معرفی کردند. این رویکرد حاصل کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی داده‌های اولیه و ثانویه بود که نتایج شامل عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل میانجی، راهبردها و پیامدها است و در آخر الگویی برای درک بهتر نتایج ارائه دادند.

تبدیل شده است که مصاحبه رایج‌ترین است. داده‌های مصاحبه برای کشف، درک تجربیات، معانی و فرایندها بسیار مؤثر است. گنجاندن داده‌های مشاهده‌ای در یک طرح نظریه زمینه‌ای جدید نیست، گلیزر و استراوس (۱۹۶۷) تأکید به استفاده اهمیت مشاهده در نظریه زمینه‌ای داشته‌اند. تحقیقات نظریه زمینه‌ای در چندین مسیر مختلف توسعه یافته است. از بدو پیدایش، هرکدام با مجموعه‌ای از روش‌های فلسفی و پایه معرفتی آغاز شده است (فیتس گرالد و میلز، ۲۰۲۲). نظریه‌ای که از درون داده پدید می‌آید، طرح تبیینی است. که به‌طور منظم مفاهیم مختلف را از راه گزاره‌ای گوناگون ترکیب می‌کند. تئوری، فهم یا تصویری روشن فراهم می‌کند که کاربر می‌تواند از آن در تبیین و پیش‌بینی بهره برد. تئوری راهنمایی برای عمل است (افشار و میرمحمدتبار، ۱۴۰۲).

تجارب مدیریتی

در فرایند مستندسازی تجربه‌های، دانش نهفته مدیران و کارشناسان به دانش آشکار تبدیل می‌شود که قابلیت ذخیره‌سازی، اشتراک‌گذاری و بهره‌برداری خواهد داشت. از این‌رو، مستندسازی روش‌ها، فنون و آموخته‌های افراد، راهکاری مطمئن برای بهبود عملکرد کسب‌وکار و گذر از دوران انباشت دانش فردی به سوی دوران نگهداری دانش برای منفعت جمعی کشور است (سالاری و ابراهیمی، ۱۳۹۸).

تجربه مدیریت دولتی برای توسعه رهبران آموزشی مؤثر بسیار مهم است، زیرا شامل مشارکت عملی در وظایف رهبری و ادغام دانش حقوقی و آموزشی است. این تجربه اغلب از طریق دوره‌های کارآموزی ساختاریافته تسهیل می‌شود که به مدیران مشتاق اجازه می‌دهد تا دانش نظری را در مکانیسم دنیای واقعی به کار ببرند. بخش‌های زیر جنبه‌های کلیدی تجربه اداری براساس تحقیقات اخیر را تشریح می‌کند. دوره‌های آموزش ضمن خدمت به‌عنوان یک جزء حیاتی از برنامه‌های آماده‌سازی اصلی عمل می‌کند و تجربه عملی را در وظایف اداری معتبر ارائه می‌دهد. ادغام دانش حقوق عمومی در آموزش مدیران دولتی امری حیاتی است. درک چارچوب‌های قانونی می‌تواند مدیران دولتی آینده را برای هدایت مؤثر محیط‌های پیچیده توانمند کند (تکاچنکو^۱، ۲۰۲۳).

فلسفه کینتسوگی^۲

فلسفه کینتسوگی که بر زیبایی شکستگی و ارزش تعمیر تأکید دارد، می‌تواند به‌طور مؤثر در شیوه‌های مدیریت اعمال شود.

1. Tkachenko
2. Kintsugi

3. Mahajan

مستندسازی تجربه و آماده‌سازی و آموزش تیم است. گام اجرا شامل سه مرحله یعنی اکتساب تجربه، ویرایش تجربه و نگهداری تجربه است و گام توسعه شامل دو مرحله یعنی انتشار تجربه و تداوم مستندسازی در سازمان است.

تشریح رویکرد کوانتومی

این رویکرد تفاوت‌های بنیادی با رویکردهای گذشته در تمام مراحل ساخت نظریه زمینه‌ای دارد. این رویکرد شامل دوازده گام اساسی برای شکل‌گیری نظریه است که به‌اختصار هر کدام توضیح داده خواهد شد.

چهار گام ابتدایی به صورت انتزاعی است و هشت گام بعدی قابلیت تشریح دارد.

در اینجا گام‌های رویکرد کوانتومی همراه با تست کیس مدیریتی به صورت مختصر تشریح خواهد شد.

گام اول: شکل‌گیری مسئله تحقیق: یافتن مسئله تحقیق بنیادی‌ترین مرحله در تولید نظریه زمینه‌ای است. مسئله تحقیق باید حداقل نوآوری‌ها را برای تولید نظریه زمینه‌ای داشته باشد. معمولاً از مشاهده یک جامعه، برخورد با یک معضل رفتاری و یا خبرگی در باب یک مسئله بهتر می‌توان مسئله تحقیق کشف کرد. (در این گام مسئله‌ای که ذهنی محقق را درگیر کرد این بود که مدیران دولتی کفایت یعنی دانش، مهارت و نگرش لازم را در تصدی پست‌ها ندارند. محقق به دنبال الگویی بود که این شایستگی‌ها را برای مدیران دولتی در ایران شناسایی کند. در نتیجه مسئله تحقیق محقق را به سمت الگوی یادگیری تجارب مدیریتی مدیران دولتی کشاند).

گام دوم: مطالعه: هدف از این گام شناخت تفاوت‌های مسئله شناسایی شده با تحقیقات پیشین و همچنین کشف همپوشانی‌های بین آن‌ها و در نهایت تأکید بر تفاوت‌های معنی‌دار مسئله تحقیق در مقایسه با تحقیقات پیشین است. (در این گام به بررسی تحقیقاتی که تا حدودی همپوشانی با الگوی یادگیری تجارب مدیریتی مدیران دولتی را مطالعه کرد و ذهنیتی از مطالعات گذشته دریافت کرد).

گام سوم: مشاهده: هدف از گام سوم اشراف بر جامعه مورد مطالعه تحقیق و همچنین اشراف بر بستر مطالعه تحقیق است. در این رویکرد جامعه مورد مطالعه و بستر مطالعه از یکدیگر تفکیک شده‌اند، منظور از جامعه مورد مطالعه افراد، سازمان یا جامعه‌ای است که محقق قصد نظریه‌پردازی بر روی آن‌ها را دارد و منظور از بستر مطالعه شرایط و ویژگی‌های محیطی است که حاکم بر جامعه مورد مطالعه است.

کتی چالمز (۲۰۰۶)، رویکردی تحت «عنوان ساختارمند برای گراند تئوری» ارائه داد. این رویکرد حاصل کدگذاری دومرحله‌ای اولیه و ثانویه داده‌های اولیه و ثانویه و همچنین پالایش مستمر داده بود. تفاوت این رویکرد با رویکردهای قلبی در مطرح نکردن الگو برای نتایج تحقیق است و دست محقق را در رسم مدل مفهومی با توجه به شرایط تحقیق باز نگه می‌دارد.

ب) پیشینه پژوهش مربوط به یادگیری تجارب مدیریتی

مسعود (۲۰۲۴)، پژوهشی تحت عنوان «مدیریت کیفیت اطلاعات برای آموزش یادگیری: بینش و تجربیات عملکردی مدیران مدیریت دولتی» انجام داد که نتایج نشان داد شیوه‌های راهبردی و مدیریت فرآیند کیفیت و دقت اطلاعات تأثیرگذار در آموزش یادگیری مدیران دولتی است.

اولویا (۲۰۱۹)، پژوهشی تحت عنوان «بررسی ابعاد متعدد تجربه مدیران دولتی کلان در دولت‌های محلی» که نتایج نشان داد بعد کیفی تجربه کاری مدیران دولتی ارشد افزایش سلامت جامعه و همچنین ارتقای سطح اشتیاق به تحصیل در دبیرستان‌ها بود. همچنین نتایج نشان داد که به‌کارگیری تجارب مدیریتی دولتی سبب کاهش خشونت‌های دولتی در جامعه خواهد شد.

هولگادو (۲۰۱۵)، پژوهشی تحت عنوان «تجزیه و تحلیل تجارب مدیریت دانش در مدیریت دولتی اسپانیا» انجام داد که نتایج نشان اکثریت تجارب در حوزه عدالت اجتماعی، عدالت در سلامت و عدالت در آموزش است.

سالاری (۱۳۹۸)، پژوهشی تحت عنوان «ارائه الگوی تدوین تجربه‌های مدیران» انجام داد که نتایج نشان داد مستندسازی تجارب دربرگیرنده رویکردهای انتخاب‌خبره، تالار گفتمان، استدلال مورد محور، داستان‌سرایی و نظام پیشنهادها است، که به‌عنوان پنج روش مطلوب برای مستندسازی تجربه‌های راهبردی مدیران ارائه شده است. در به‌کارگیری روش‌های فوق می‌بایست سطح‌بندی مدیران در سطوح کلان و سازمانی، شناخت انواع تجربه‌های با استفاده از ابزارها، لحاظ کردن قوانین و مقررات حاکم و بهره‌گیری از گفتمان ولایت‌فقیه به‌عنوان سیاست‌های کلی نظام اسلامی در بومی کردن روش‌های مستندسازی تجربه‌های مدیران مدنظر باشد.

خسوعی (۱۳۹۳)، تحقیقی تحت عنوان تدوین فرآیند یکپارچه مستندسازی تجربه‌های سازمانی: رویکرد مدیریت تجربه انجام داد که نتایج نشان داد سه‌گام یعنی ساخت، اجرا و توسعه شناسایی گردید که هر گام دارای مراحل است. به این ترتیب که گام ساخت، شامل دو مرحله یعنی تشکیل تیم

ساختاریافته بهره گرفت و براساس هر محور سؤالاتی طراحی کرد تا تمامی داده‌های خرد کشف شود.

گام نهم: کدگذاری داده‌های خرد: در گام قبلی برای هر محور تعدادی داده خرد شناسایی شد در این گام به پالایش و همسان‌سازی آن‌ها با مسئله تحقیق می‌پردازیم. در ابتدا لازم است داده‌های غیرمرتبط با مسئله تحقیق را حذف کنیم. در ادامه داده‌های باقی‌مانده در جهت مسئله تحقیق همسان‌سازی خواهد شد به این معنا که برچسب‌های جدیدی که برای آن‌ها انتخاب خواهیم کرد که معنی هم‌راستاتری با مسئله تحقیق داشته باشد و در نهایت تحت عنوان داده‌های خرد آماده کدگذاری برای مرحله بعد خواهیم کرد.

گام دهم: کدگذاری کلان داده‌های ثانویه: در این مرحله بایستی تمامی داده‌های خرد بدون سوگیری به محورهایشان لیست شود و فرآیند کدگذاری داده‌های خرد انجام شود. برای این کار لازم است ویژگی‌های مشترک در بین داده‌های خرد شناسایی شود و داده‌های خرد بر اساس ویژگی مشترکشان دسته‌بندی شود و محوره‌های اصلی تحقیق شناسایی شود بدون توجه به محوره‌های شناسایی شده اولیه.

گام یازدهم: شکل‌گیری ابر داده‌ها: در گام قبلی کلان داده‌ها شناسایی شد و برای فهم بهتر مسئله تحقیق لازم است سطح کلان‌تری از عوامل مؤثر بر مسئله تحقیق ارائه شود به همین دلیل براساس سطح کلان‌تری از ویژگی‌ها محوره‌های شناسایی شده را تحت عنوان ابر داده‌ها دسته‌بندی خواهیم کرد.

گام دوازدهم: چینش در الگو: در این گام برای درک بهتر نتایج تحقیق براساس الگوی ارائه شده ابر داده‌های شناسایی شده در مدل نهایی جایگذاری خواهد شد. این مدل از دو جنبه عوامل مؤثر بر مسئله تحقیق را شناسایی خواهد کرد که در مدل نهایی برای هر دو جنبه جایگاه تعیین شده است. مدل نهایی تحقیق از تصویر انتزاعی نظریه درهم تنیدگی کوانتومی اقتباس شده است.

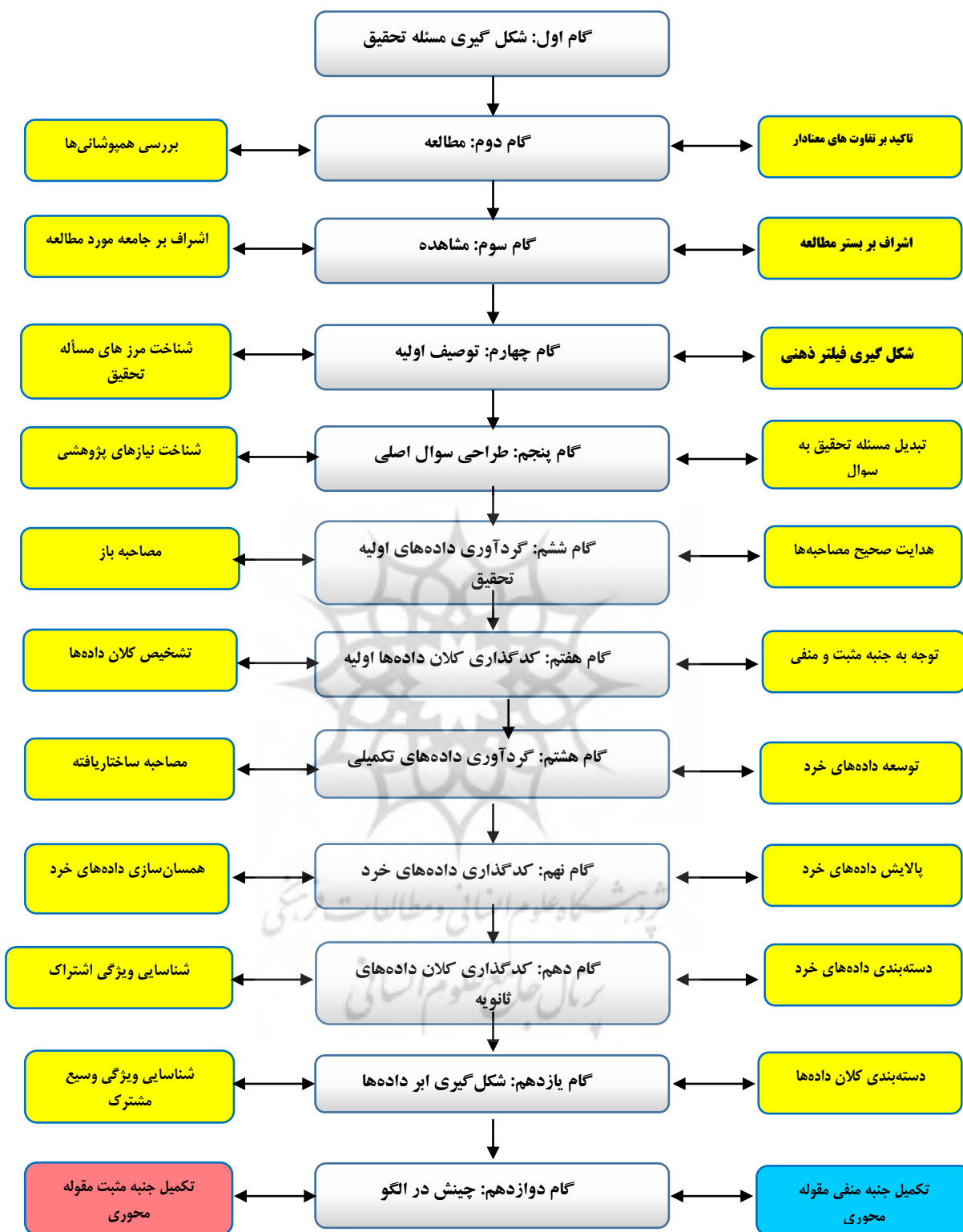
گام چهارم: توصیف اولیه: هدف اول از گام توصیف اولیه شناخت مرزهای مسئله تحقیق است، یعنی یک تصویر ذهنی یا چارچوب از مسئله تحقیق در ذهن نظریه‌پرداز شکل بگیرد که توانایی تشخیص این را داشته باشد که کدام یک از عواملی که از مرحله جمع‌آوری داده به دست می‌آید می‌تواند جز عوامل مؤثر بر مسئله تحقیق باشند. هدف دوم از این گام شکل‌گیری فیلتر ذهنی برای محقق است. منظور از فیلتر ذهنی توانایی ذهنی محقق با توجه به درک مسئله تحقیق جهت استانداردسازی داده‌های اولیه با مسئله تحقیق است.

گام پنجم: طراحی سؤال اصلی: هدف گام پنجم این است که محقق نیاز و خواسته پژوهشی خود را درک کند و به صورت کامل درک کند که به دنبال چیست و چه پاسخ‌هایی به نیاز پژوهشی وی جواب خواهد داد. به صورت ساده‌تر محقق باید در این مرحله مسئله تحقیق را به سؤال اصلی تحقیق تبدیل کند. با توجه به اینکه این رویکرد به گراند تئوری از دو جنبه عوامل مؤثر بر مسئله تحقیق را مورد بررسی قرار خواهد داد باید در سؤال اصلی این نکته لحاظ گردد.

گام ششم: گردآوری داده‌های اولیه تحقیق: هدف در این شناسایی کلان داده‌های اولیه یا محوره‌های اصلی اولیه است. با توجه به این که این رویکرد دارای دو مرحله گردآوری داده‌ها است، لازم است در مرحله اول گردآوری داده‌ها محقق با یک سؤال کلی وارد شود یعنی استفاده از مصاحبه باز و سؤالات بعدی با توجه به مسیر مصاحبه در ذهن محقق و با توجه به اشراف محقق بر مسئله تحقیق خلق شود.

گام هفتم: کدگذاری کلان داده‌ها اولیه: هدف از انجام این گام شناسایی محوره‌های اولیه مسئله تحقیق است. در این مرحله محقق باید کلان داده‌هایی را شناسایی کند که بر مسئله تحقیق اثرگذار است. دلیل انجام این مرحله این است که اغلب در کدگذاری باز در روند مصاحبه‌ها در رویکردهای قبلی داده‌های خرد شناسایی نمی‌شد و محقق بایستی کلان داده‌ها را به داده‌های خرد مبدل می‌کرد و در این بین ممکن بود از برخی از داده‌ها سهوی چشم‌پوشی شود. با توجه به اینکه این رویکرد عوامل مؤثر بر مسئله تحقیق را از دو جنبه بررسی خواهد کرد لازم است کدگذاری‌ها در هر مرحله برای هر جنبه به صورت جداگانه انجام شود.

گام هشتم: گردآوری داده‌های تکمیلی: هدف این گام توسعه داده‌های خرد است. در گام قبلی محوره‌های مسئله شناسایی شد و در این گام بایستی داده‌های خرد مربوط به هر محور شناسایی شود. برای این کار لازم است از مصاحبه



شکل ۱. گام‌های دوازده‌گانه رویکرد کوانتومی در گراند تئوری

Figure 1. Twelve Steps of the Quantum Approach in Grounded Theory

روش‌شناسی پژوهش

روش نظریه داده‌بنیاد گویای فرایندی است که از داده‌های خرد و ساخت مفهوم شروع شده و سپس با روش‌های نو مجدداً به هم پیوند می‌خورند. بنابراین، در این روش می‌توان برای کشف نظریه از روی داده‌هایی که به صورت روش‌اند در پژوهش‌های اجتماعی، صورت می‌گیرد، دست به تحلیل زد (استراوس و گلاسر، ۱۹۶۷).

روش جمع‌آوری اطلاعات، با استفاده از مصاحبه‌های اکتشافی است. جامعه آماری این پژوهش را ۱۴ نفر از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها در رشته‌های مدیریت دولتی تشکیل داده‌اند. مصاحبه‌ها در دو مرحله جداگانه برای جمع‌آوری کلان داده‌های اولیه و توسعه داده‌های خرد انجام خواهد که مرحله اول مصاحبه باز و مرحله دوم به صورت مصاحبه ساختار یافته است. در این تحقیق شناسایی افراد به روش هدفمند انجام شد. نمونه‌گیری هدفمند به معنای این است که پژوهشگر، سوژه‌های را به‌عنوان نمونه برای خود انتخاب می‌کند که حتماً در فهم مسائل پژوهشی و روند تفسیر آن به شما کمک کنند.

پارادایم پژوهش حاضر تفسیری، هدف پژوهش بنیادی، کاربرد پژوهش اکتشافی، زمان مقطعی و فنون گردآوری داده‌ها پیمایشی می‌باشد. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی است. راهبرد آن روش نظریه داده‌بنیاد مبتنی بر چهار مرحله کدگذاری کلان داده اولیه، کدگذاری داده‌های خرد، کدگذاری کلان داده ثانویه و کدگذاری ابر داده‌ها است. نظریه‌پردازی داده‌بنیاد روشی است که هدف آن شناخت و درک تجارب افراد از رویدادها و وقایع در بستری خاص است.

از آنجا که تحقیقات پیشین گویای ضعف نظریه‌های موجود در تبیین مفهوم، ابعاد و نتایج یادگیری تجارب مدیریتی مدیران دولتی است، این موضوع جدید بوده و مدل و نظریه‌ای در این رابطه وجود ندارد. روش داده‌بنیاد هنگامی توصیه می‌شود که در موضوع مطالعه، نظریه و پیشینه بسیار اندکی وجود دارد. بر این اساس به‌منظور شناسایی نظریه برخاسته از داده، به‌کارگیری روش نظریه داده‌بنیاد توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد. کدگذاری در

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

Table 1. Demographic Information of Interviewees

مرتبۀ دانشگاهی	تعداد مصاحبه‌شوندگان
استاد	۴ نفر
دانشیار	۴ نفر
استادیار	۶ نفر

کدگذاری شاخص ثبات محاسبه شد. جدول زیر نتایج حاصل از کدگذاری مجدد سه مصاحبه که هر کدام از آن‌ها دو بار در یک فاصله زمانی ۱۹ روزه کدگذاری شدند. از ضریب پایایی هولستی^۳ (PAO) برای تعیین توافقات بازآزمون و دو کدگذار استفاده شده است.

$$PAO = \frac{2M}{(N_1 + N_2)}$$

$M =$ تعداد توافقات $N_1 =$ کدگذاری اول $N_2 =$ کدگذاری دوم

برای تعیین روایی پژوهش از روایی توصیفی استفاده شد. روایی توصیفی به صحت داده‌های موضوع گزارش شده توسط محقق اشاره می‌نماید (ماکسول^۱، ۱۳۹۶). تعیین پایایی یافته‌ها مرحله‌ای حیاتی در فرایند مصاحبه است. توجه به دو نفر کدگذار به درصدهای گزارش شده، در طول طبقه‌بندی مصاحبه‌ها، روشی برای تعیین پایایی تحلیل است. میزان (درصد) توافق درونی موضوعی دو کدگذار (شصت درصد یا بیشتر) در مورد یک مصاحبه نیز، روشی برای پایایی تحلیل است (کویل^۲، ۱۹۹۶).

در این پژوهش برای سنجش پایایی از روش باز آزمون و دو کدگذار استفاده شد که در روش باز آزمون از بین ۱۴ مصاحبه انجام شده ۳ نمونه به‌طور تصادفی انتخاب و هر کدام از آن‌ها در فاصله زمانی پنج تا سی روز کدگذاری شدند. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با یکدیگر مقایسه شدند و از طریق میزان توافقات و عدم توافقات موجود در دو مرحله

1. Maxwell
2. Kvale S

جدول ۲. نتایج بازآزمون

Table 2. Test-Retest Results

عنوان مصاحبه	تعداد کدهای دفعه اول کدگذاری	تعداد کدهای دفعه دوم کدگذاری	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون درصد
	۲	۱۶	۱۶	۱۸	P۴
	۲	۱۵	۱۶	۱۷	P۷
	۳	۱۶	۱۷	۱۹	P۹
	۷	۴۷	۴۹	۵۴	کل

با توجه به جدول فوق و از آنجا که هر سه مصاحبه بالای ۸۰ درصد و ضریب پایایی کل ۹۰ درصد می‌باشد، مصاحبه‌ها طبق ضریب پایایی بازآزمون، پایایی بالایی دارند.

جدول ۳. پایایی دو کدگذار

Table 3. Inter-Coder Reliability

عنوان مصاحبه	تعداد کدهای کدگذار اول	تعداد کدهای کدگذار دوم	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون درصد
	۱۸	۱۷	۱۷	۱	%۹۷
	۱۷	۱۷	۱۷	۰	%۱۰۰
	۱۹	۱۸	۱۸	۱	%۹۷
	۵۴	۵۲	۵۲	۲	%۹۸

ضریب پایایی هر سه مصاحبه بالای ۸۰ درصد است و ضریب پایایی کل ۹۸ درصد است، مصاحبه‌ها طبق پایایی دو کدگذار، پایایی بالایی دارند.

یافته‌های پژوهش

کدگذاری کلان داده‌های اولیه

اساس این مرحله اشراف محقق بر مسئله تحقیق است که بتواند کلان داده‌های اساسی مؤثر بر مسئله تحقیق را در هر دو جنبه مثبت و منفی از داده‌های غیر مرتبط تمایز دهد. همچنین لازم است محقق

کلان داده‌های یافت شده را به اصطلاحات قابل فهم‌تر تبدیل نماید. اگر در این مرحله داده‌های خردی شناسایی شد محقق با توجه به شناخت موضوع و داشتن تصویر ذهنی از مسئله تحقیق آن را به داده‌های سطح بالاتری یعنی کلان داده‌ها تبدیل نماید و از هیچ داده‌ای که مرتبط با مسئله پژوهش است چشم‌پوشی نکند.

الف) کدگذاری کلان داده‌ها از جنبه مثبت بر مسئله پژوهش

جدول ۴. کلان داده‌ها (محورها) شناسایی شده اولیه در جنبه مثبت

Table 4. Identified Primary Macro Data (Themes) in the Positive Aspect

تفکر جانبی	شخصیت پروری	تصمیم‌گیری استراتژیک	مهارت ادراکی	رهبری بصیر	تجربه‌پذیری
فقدان ارتوز فکری	اخلاق‌مداری	جذب اعتماد عمومی	عطش یادگیری	عدالت‌خواهی	دانش علمی مدیریت
تفکر انتقادی	فلسفه گینتوسکی	خلاقیت خواهی	مهارت تحلیلی	ارزش‌های سازنده	مهارت انسانی
تفکر سیال	تفکر جعبه سیاهی	مدیریت منافع عمومی	تفکر سیستمی	شناخت فرهنگ	مسئله محوری
فقدان باورمندی	رهبری تیم	مدیریت فرهنگی	ضابطه‌گرایی	فسادستیزی	
مهارت‌های سیاسی	قانون آگاهی	توسعه ارتباطات	وطن‌پرستی	ذهنیت پویا	
شبکه‌سازی	مدیریت بحران	مدیریت تعارض	تعادل بین انعطاف و اقتدار	عدم تعصب	
مهارت خاموشی هوشیارانه	مهرات بودجه‌ریزی	تسهیم قدرت	مدیریت استعداد	شجاعت	

ب) کدگذاری کلان داده‌ها از جنبه منفی بر مسئله پژوهش

جدول ۵. کلان داده‌ها (محورها) شناسایی شده اولیه در جهت منفی

Table 5. Identified Primary Macro Data (Themes) in the Negative Aspect

منفعت‌طلبی شخصی	سازش‌کاری	اثر خود تخریبی	سندروم اتلوفوبیا	کوتوله‌پروری
رابطه‌گرایی	ایجاد پایگاه قدرت	خود مانع‌سازی	جزئی‌نگری	
قبیله‌گرایی	ترس	سندروم یادگیری باکی	عدم توانایی حل مسئله	

در پایان کدگذاری محوری اولیه برای جنبه مثبت تعداد ۴۴ کد و برای جنبه منفی ۱۳ کد شناسایی شد.

کدگذاری داده‌های خرد

این مرحله کدگذاری پس از مرحله دوم گردآوری داده انجام می‌پذیرد. پالایش و همسان‌سازی اهداف این مرحله می‌باشند. پالایش به این معناست که داده‌های غیرمرتبط و تکراری حذف شود و همسان‌سازی به معنای این است که داده‌هایی که تا حدودی در ارتباط با مسئله تحقیق هستند اصلاح شوند و به داده‌های کاملاً مرتبط مبدل گردد که این اقدام برای هر دو جنبه بایستی به صورت مجزا صورت گیرد.

کدگذاری کلان داده‌های ثانویه
این مرحله باید بدون توجه به مرحله کدگذاری کلان داده‌های اولیه صورت گیرد زیرا هدف کدگذاری کلان داده‌های اولیه کمک به کشف تمام داده‌های موجود و جامعیت آن‌ها بود. انتخاب ویژگی مشترک یا محور مشترک در بین داده‌های خرد اساسی‌ترین اقدام در این مرحله است که بتوان به وسیله آن‌ها دسته‌بندی‌هایی از داده‌های خرد ارائه داد. در نهایت این گام با انتخاب عنوان برای دسته‌بندی‌ها پایان می‌پذیرد اما نکته مهم این است که عنوان نشان‌دهنده ویژگی‌های مشترک دسته‌بندی‌ها باشد.

کدگذاری داده‌های خرد، کلان داده‌ها و ابر داده‌ها از جنبه مثبت بر مسئله پژوهش

جدول ۶. کدگذاری داده‌های خرد و داده‌های کلان‌ها در جهت مثبت

Table 6. Coding of Micro Data and Macro Data in the Positive Direction

داده‌های کلان جنبه مثبت	داده‌های خرد جنبه مثبت
تفکر جانبی	فقدان تفکر خطی - فرار از کلیشه‌ها - افکار پویا
فقدان ارتروز فکری	خلاقیت پویا - فقدان تصمیمات روتین و تکراری
تفکر انتقادی	عدم مصلحت‌اندیشی - عینیت - عدم جانبداری - واقع‌بینی - عدم تعصب
تفکر جمعه سیاهی	درس گرفتن از اشتباه - اشتباه شکافی
تفکر سیستمی	کلی‌نگری - توجه به کلیت وقایع - توجه به فرایندها
هوش سیال	تحلیل سریع - اقدام سریع - تصمیم سریع
خاموشی هوشیارانه	رازداری - موقعیت‌شناسی
تعادل انعطاف و اقتدار	تصمیم‌گیری اقتضایی - ذهنیت انعطاف‌پذیر
رهبری بصیر	داشتن چشم‌انداز - دوراندیشی - بصیرت
ذهنیت پویا	برتری در اقدامات - برتری در تصمیمات
فقدان باورمندی	عدم تفکر ایدئولوژیکی - عدم پیش‌فرض‌های ذهنی
شخصیت پروری	خود ارزشمندی - عزت‌نفس - برتری شخصیتی
اخلاق‌مداری	صداقت - پیروی از اصول - قانون‌پذیری
فلسفه کینتسوگی	تجربه‌طلبی - تجربه‌اندوزی - تجربه‌پذیری
عطش یادگیری	توجه به یادگیری - طلب دانش
ضابطه‌گرایی	شایسته‌گزینی - شایسته‌سالاری
وطن‌پرستی	توجه به اعتبار کشور - توجه به منافع کشور
عدالت‌خواهی	عدالت محوری - عدالت‌طلبی
ارزش‌های سازنده	ارزش‌های مناسب - باورهای درست - ایدئولوژی سالم
فساد ستیزی	تخریب تفکرهای فاسد - برخورد با فساد مالی - مقابله با فساد سیستمی

ادامه جدول ۶. کدگذاری داده‌های خرد و داده‌های کلان‌ها در جهت مثبت

داده‌های خرد جنبه مثبت	داده‌های کلان جنبه مثبت
شجاعت در تصمیمات- اقتدار در عمل	شجاعت
آسیب‌شناسی مسئله- شناسایی معضل- تمرکز بر حل مسئله	مسئله محوری
قدرت نفوذ- شناخت زبان بدن- مهارت مذاکره- اقناع کنندگی	مهارت سیاسی
توسعه ارتباطات- ارتباطات بین سازمانی- ارتباطات فراسازمانی- ارتباطات برون سازمانی	شبکه‌سازی
توانایی تیم‌سازی- هماهنگی تیم- مدیریت تیم	رهبری تیم
- ترویج مشارکت	
عکس‌العمل سریع- رهبری وقایع- قدرت تحلیل آنی	مدیریت بحران
مهارت بودجه‌ریزی- تخصیص بهینه منابع	بودجه‌ریزی
مهارت تحلیلی خارج- مهارت تحلیل داخلی	تصمیم‌گیری استراتژیک
اعتماد پروری- باورسازی	مدیریت اعتماد عمومی
رفع تعارض مخرب- ایجاد تعارضات سازنده	مدیریت تعارض
توزیع قدرت اصولی- قدرت تفویض اختیار	تسهیم قدرت
درک آینده- درک سیاست‌ها- درک جامعه	مهارت ادراکی
حفظ استعداد- پرورش استعداد- جذب استعداد- کشف استعداد	مدیریت استعداد
شناخت قانون- تسلط بر قانون- تأکید بر قانون	قانون آگاهی
توجه به جامعه مدنی- توجه به منافع عمومی	شناخت منافع عمومی
تطابق فرهنگ و اقدامات- شناخت فرهنگ	فرهنگ آگاهی
دانش علمی مدیریت- آگاهی از فرایندهای مدیریت	مدیریت آگاهی

کدگذاری ابر داده‌ها

داده‌های بیشتری را شامل گردد. همچنین در حین داشتن ویژگی یا محور وسیع‌تر باید مرز و تفکیکی نیز با ویژگی دیگر ابر داده‌ها داشته باشد تا تمایز به‌درستی صورت پذیرد. در آخر انتخاب عنوان صحیح برای هر دسته از ابر داده‌ها نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ابر داده‌ها بالاترین سطح از عوامل مؤثر بر مسئله تحقیق است و باید به‌گونه‌ای عنوان‌گذاری شوند که ماهیت آن‌ها نمایان شود. در این مرحله یافتن ویژگی وسیع‌تری نسبت به مرحله قبل الزام دارد. منظور از ویژگی وسیع‌تر این است که کلان

جدول ۷. کدگذاری کلان داده‌ها و ابر داده‌ها از جنبه مثبت

Table 7. Coding of Macro Data and Metadata from the Positive Aspect

کلان داده‌ها جنبه مثبت	ابر داده‌ها جنبه مثبت
تفکر جانبی، فقدان ارتروز فکری، تفکر انتقادی، تفکر جمعی سیاهی، تفکر سیستمی	تفکر مدیریتی
هوش سیال، خاموشی هوشیارانه، تعادل انعطاف و اقتدار، رهبری بصیر، ذهنیت پویا	هوش مدیریتی
فقدان باورمندی، شخصیت‌پروری، اخلاق‌مداری، فلسفه کینتسوگی، عطش یادگیری	نگرش مدیریتی
ضابطه‌گرایی، وطن‌پرستی، عدالت‌خواهی، ارزش‌های سازنده، فساد ستیزی	
شجاع‌تف مسئله محوری	
مهارت سیاسیف شبکه‌سازیف رهبری تیمف مدیریت بحران، بودجه‌ریزی	
تصمیم‌گیری استراتژیک، توانایی مدیریت اعتماد عمومیف مدیریت تعارض	مهارت مدیریتی
تسهیم قدرت، مهارت ادراکی، مدیریت استعداد	
قانون آگاهی، شناخت منافع عمومی، فرهنگ آگاهی، مدیریت آگاهی	آگاهی مدیریتی

(ب) کدگذاری داده‌های خرد، کلان داده‌ها و ابر داده‌ها از جنبه منفی بر مسئله پژوهش

جدول ۸. کدگذاری داده‌های خرد و داده‌های کلان‌ها در جهت منفی

Table 8. Coding of Micro Data and Macro Data in the Negative Direction

داده‌های خرد جنبه منفی	داده‌های کلان جنبه منفی
کم‌توجهی به جامعه مدنی- مادی‌گرایی- ارجحیت منافع شخصی	منفعت‌طلبی شخصی
جلب حمایت ذی‌نفعان- روابط غیررسمی مخرب- تشکیل ائتلاف قدرت	رابطه گرایی
ایجاد چرخه مدیران دولتی- عدم انعطاف در زیردستان- تشکیل تیم‌های مدیریتی	قبیله گرایی
حفظ قدرت ماکیاولیستی- باج دادن- جلب رضایت افراد قدرتمند	ایجاد پایگاه قدرت
فقدان شناسایی معضلات- عدم توانایی حل مسئله- کم‌توجهی به مشکلات	فقدان مهارت حل مسئله
زد و بند- مصالحه	سازش‌کاری
ترس از مخالفت ذی‌نفعان- ترس از دست دادن حمایت- خوف از تصمیم‌گیری	ترس
عزت‌نفس پایین- ایمپاستر- خودکم‌بینی	اثر خودتخریبی
سندروم یادگیری یاکی- نگرش منفی نسبت به خود- کمال‌گرایی ناسازگار	خودمانع‌سازی
سندرم اتلوفوبیا- دخالت در امور جزئی- توجه به مسائل جزئی- غافل شدن از کلیات	جزئی‌نگری
خودخواهی- قدرت‌طلبی	کوتوله‌پروری

جدول ۹. کدگذاری کلان داده‌ها و ابر داده‌ها از جنبه منفی

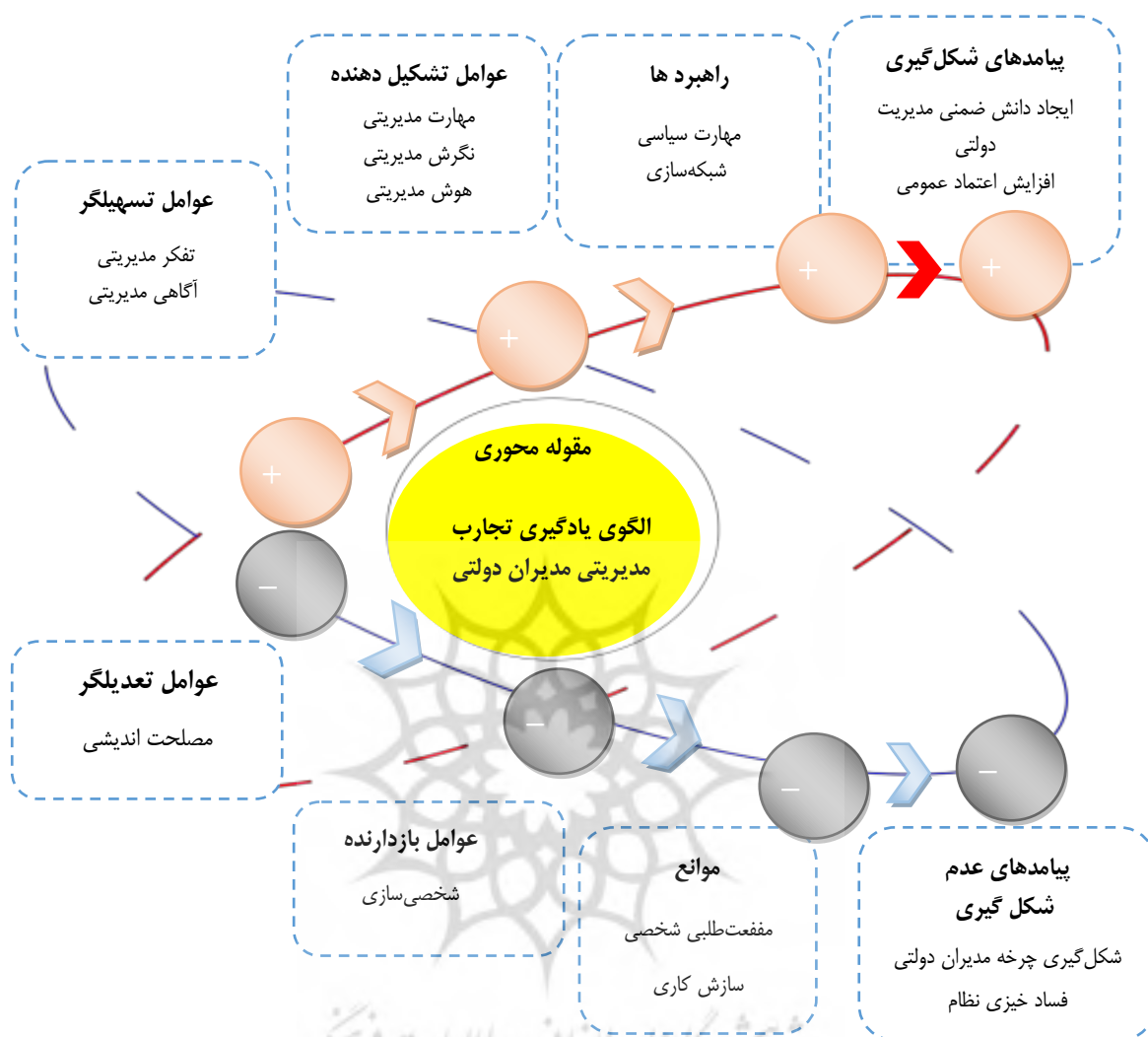
Table 9. Coding of Macro Data and Metadata from the Negative Aspect

کلان داده‌های جنبه منفی	ابر داده‌ها جنبه منفی
منفعت‌طلبی شخصی	منفعت‌طلبی شخصی
رابطه گرایی	رابطه گرایی
قبیله گرایی	قبیله گرایی
ایجاد پایگاه قدرت	ایجاد پایگاه قدرت
فقدان مهارت حل مسئله	فقدان مهارت حل مسئله
سازش‌کاری	سازش‌کاری
ترس	ترس
اثر خودتخریبی	اثر خودتخریبی
خودمانع‌سازی	خودمانع‌سازی
جزئی‌نگری	جزئی‌نگری
کوتوله‌پروری	کوتوله‌پروری

تعداد ۹۸ کد شناسایی و برای جنبه منفی داده‌های خرد تعداد ۳۲ کد شناسایی شد. در نهایت برای جنبه مثبت ابر داده‌ها تعداد ۵ کد و برای جنبه منفی ابر داده‌ها تعداد ۲ کد شناسایی شد.

در پایان کدگذاری کلان داده‌های اولیه برای جنبه مثبت ۴۴ کد و برای جنبه منفی ۱۳ کد شناسایی شد. اما پس از شناسایی داده‌های خرد و پالایش مجدد داده‌های کلان، تعداد ۳۸ کد به برای جنبه مثبت داده‌های کلان و ۱۱ کد برای جنبه منفی داده‌های کلان انتخاب شد. برای جنبه مثبت داده‌های خرد

در نهایت براساس نتایج الگوی نهایی پژوهش رسم شد.



شکل ۲. مدل نهایی پژوهشی براساس رویکرد کوانتومی

Figure 2. Final Research Model Based on the Quantum Approach

محوری در نظر بگیریم در نتیجه دودسته عوامل متضاد با یکدیگر حول مقوله محوری در گردش هستند یعنی عواملی که جنبه مثبت در تشکیل مقوله محوری دارند و عواملی که جنبه منفی در تشکیل مقوله محوری دارند که هیچ کدام از سه رویکرد به آن اشاره‌ای نداشته‌اند. در ادامه با تشریح ناکارآمدی‌های رویکردهای قبلی به توجیه رویکرد کوانتومی می‌پردازیم.

جایگاه ادبیات و پیشینه پژوهش در گراند تئوری

مهم‌ترین موضوع قابل بحث در گراند تئوری بحث استفاده از ادبیات و پیشینه پژوهش در کشف داده‌ها است که هیچ کدام از رویکردهای گذشته نتوانسته‌اند به درستی شیوه عملی برای آن

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف توسعه رویکردهای پیشین به گراند تئوری آغاز شد و سعی شد در مرحله اول ناکارآمدی‌های رویکردهای قبلی را در عمل مرتفع سازد و در مرحله دوم شکاف‌های موجود در رویکردهای قبلی به گراند تئوری احصاء شود به همین منظور رویکرد جدیدی به گراند تئوری تحت عنوان رویکرد کوانتومی ارائه می‌گردد که اساس این رویکرد نظریه در هم تنیدگی کوانتومی اتم است. این نظریه به این اشاره دارد که الکترون‌های حول هسته اتم علاوه بر تأثیری گذاری بر هسته اتم نیز با یکدیگر رفتار متضاد دارد. می‌توان استنباط کرد که حول هسته اتم الکترون‌هایی وجود دارند که خلاف جهت یکدیگر رفتار خواهند کرد. اگر هسته اتم را مقوله

ادبیات گذشته چشم‌پوشی شده است نه ادبیات گذشته تأثیر مستقیم بر ساخت نظریه داشته است.

سردرگمی در کدگذاری باز: هر سه رویکرد گذشته به گراند تئوری تأکید بر استفاده از سبک مصاحبه باز داشته‌اند و دو رویکرد ظاهرشونده و نظامند بر استفاده از تکنیک کدگذاری سه مرحله‌ای تأکید داشته‌اند. اما معمولاً در عمل نتایج حاصل از مصاحبه باز کدهای باز نیست بلکه بیشتر محورهای تحقیق است و در این حالت در هنگام کدگذاری باز محقق سردرگم می‌ماند و برای تکمیل نظریه ملزم خواهد شد برای تکمیل کدهای باز از منابع دیگری بهره گیرد که خلاف گراند تئوری است. در رویکرد ساختارمند به گراند تئوری که چالمر ارائه داد برای فرار از این مشکل مراحل کدگذاری را به دو مرحله کدگذاری اولیه و ثانویه تغییر داد که با این کار معضل دیگری بروز خواهد یافت، این معضل عدم جامعیت در شناسایی عوامل مؤثر بر مسئله پژوهش است یعنی تمامی عوامل مؤثر بر مسئله تحقیق با این روش یافت نمی‌شود.

در رویکرد کوانتومی برای حل مسئله سردرگمی در کدگذاری باز و همچنین دستیابی به جامعیت در شناسایی عوامل مؤثر بر مسئله تحقیق کدگذاری چهار مرحله‌ای را ارائه می‌دهد. وجه تمایز این رویکرد با رویکردهای گذشته این است که این رویکرد دو بار گردآوری داده دارد. یک بار مصاحبه باز برای شناسایی کلان داده‌ها یا محورهای مسئله تحقیق و بار دیگر مصاحبه ساختاریافته برای توسعه داده‌های خرد مربوط به هر محور یا کلان داده.

بی‌توجهی و عدم تفکیک جامعه مورد مطالعه و بستر مطالعه: در رویکردهای گذشته فقط به فرایندهای تولید اشاره شده و تمرکز بر شناخت جامعه مورد مطالعه و بستر مطالعه نداشته‌اند. در رویکرد کوانتومی علاوه بر تأکید بر شناخت و درک جامعه مورد مطالعه و بستر مطالعه، تفکیکی بین آن‌ها قرار داده است. منظور از جامعه مورد مطالعه در رویکرد کوانتومی الگوهای رفتاری حاکم بر افراد، سازمان یا جامعه مورد مطالعه است و منظور از بستر مطالعه در رویکرد کوانتومی شرایط و ویژگی‌های محیطی است که جامعه مورد مطالعه در آن قرار دارد.

ناکارآمدی الگوهای پیشین: در رویکرد ظاهرشونده گلیزر الگوی برای جای‌گذاری نتایج نهایی ارائه داد که شامل علل اصلی، عوامل وابسته با علل اصلی، شرایط میانجی،

ارائه دهند. برای بار نخست گلیزر (۱۹۷۸)، این موضوع را بیان کرد که زمانی که قصد استفاده از گراند تئوری داریم باید از ادبیات و پیشینه پژوهش چشم‌پوشی کنیم و در کل ادبیات گذشته هیچ تأثیری در کشف داده‌ها نداشته باشد به همین دلیل رویکرد خود را ظاهرشونده نام‌گذاری کرد یعنی نظریه باید از دل مصاحبه‌ها ظهور پیدا کند. استراوس و کوربین (۱۹۹۶) در رویکرد خود به گراند تئوری این را بیان کردند که آیا می‌شود ادبیاتی وجود داشته باشد ولی از آن بهره نگیرد. آن‌ها معتقد بودند که چون ادبیات گذشته حاصل تحقیقات علمی است پس نمی‌توان در ساخت نظریه جدید از آن‌ها چشم‌پوشی کرد و رویکردی تحت عنوان رویکرد نظامند به گراند تئوری بیان کردند که باید به یک ترکیب نظامند از داده‌های اولیه (ادبیات و پیشینه پژوهش) و داده‌های ثانویه (مصاحبه) برای ساخت نظریه دست یابیم. در سومین رویکرد به گراند تئوری چالمر (۲۰۰۶) رویکردی تحت عنوان ساختارمند ارائه داد که مانند استراوس و کوربین اعتقاد به به‌کارگیری داده‌های اولیه در ساخت نظریه داشت اما عنوان کرد که داده‌ها بایستی پالایش شوند. یعنی داده‌های اولیه به داده‌هایی مبدل گردند که تأثیر مستقیم بر مسئله تحقیق داشته باشند یعنی داده‌های اولیه و داده‌های ثانویه یک ساختار متحد برای شکل‌گیری نظریه به خود گیرند. پس از بررسی سه رویکرد قبلی این نتیجه حاصل شد که سیر تحولات گراند تئوری توانسته است پاسخ عملی درستی به این دوگانگی ارائه دهد. اگر پیشینه پژوهش وجود دارد چرا نباید از آن در ساخت نظریه استفاده شود و اگر قصد تولید نظریه با گراند تئوری داریم چرا باید از داده‌های اولیه استفاده کنیم (چرا از روش‌های دیگر استفاده نکنیم زمانی که داده اولیه وجود دارد).

رویکرد کوانتومی برای حل این دوگانگی شکل‌گیری تصویر ذهنی و فیلتر ذهنی را ارائه می‌دهد. این رویکرد به استفاده از داده‌های اولیه اعتقاد دارد اما نه در ساخت مستقیم داده و ساخت مستقیم نظریه بلکه در شکل‌گیری تصویر ذهنی و فیلتر ذهنی محقق. این رویکرد تأکید به استفاده از داده‌های اولیه برای شناخت مرزهای تحقیق (تصویر ذهنی) و همچنین همسان‌سازی داده‌های یافت شده از مصاحبه‌ها با مسئله تحقیق (شکل‌گیری فیلتر ذهنی محقق) دارد. اما ساخت تصویر ذهنی و فیلتر ذهنی فقط از مطالعه ادبیات حاصل نمی‌شود بلکه علاوه بر مطالعه ادبیات گذشته باید به مشاهده جامعه مورد مطالعه و همچنین شناخت ویژگی‌های بستر مطالعه (گام‌های دوم و سوم) پردازد. با این اقدام دوگانگی موجود مرتفع خواهد. نه از

اکنون به تشریح بخش‌های مختلف الگوی کوانتومی می‌پردازیم.

مقوله محوری: شامل مسئله تحقیق است، مسئله‌ای که روند تحقیق در پی کشف عوامل مؤثر بر آن است.

عوامل تشکیل‌دهنده یا شکل‌دهنده: عواملی هستند که پایه و اساس شکل‌گیری مقوله محوری هستند و بیشترین تأثیر را در ایجاد مقوله محوری تحقیق دارند.

عوامل تسهیلگر: عواملی هستند که به صورت مستقیم در شکل‌گیری مقوله محوری تأثیرگذار نیستند اما زمینه‌های بروز مقوله محوری را فراهم می‌آورند یا به صورت غیرمستقیم بر شکل‌گیری مقوله محوری اثرگذارند.

راهبردها: پیشنهادهایی یا استراتژی‌هایی هستند جهت کمک به شکل‌گیری مقوله محوری

پیامدهای شکل‌گیری: نتایج بلند تحقق مقوله محوری در جامعه مورد مطالعه هستند.

عوامل بازدارنده: عواملی هستند که صورت مستقیم در عدم شکل‌گیری مقوله محوری دخیل هستند.

عوامل تعدیلگر: عواملی هستند که در عدم شکل‌گیری مقوله محوری به صورت مستقیم دخیل نیستند اما زمینه‌های عدم شکل‌گیری مقوله محوری را ایجاد می‌کنند یا به صورت غیرمستقیم در عدم شکل‌گیری مقوله محوری تأثیرگذارند.

موانع: اقدامات یا استراتژی‌هایی هستند که سبب عدم شکل‌گیری مقوله محوری هستند یا شکل‌گیری مقوله محوری را به تعویق می‌اندازند.

پیامدهای عدم شکل‌گیری: نتایج بلندمدت عدم شکل‌گیری مقوله محوری در جامعه تحقیق را بیان می‌کند.

پیشنادهای پژوهش

محققان می‌توانند برای تعدد داده‌های خرد و شناسایی همه‌جانبه آن‌ها (کدباز) در گراند تئوری از رویکرد کوانتومی استفاده کنند زیرا در عمل تفاوت‌های چشم‌گیری در تعداد داده‌های خرد در رویکرد کوانتومی و سایر رویکردها وجود دارد. محققان می‌توانند برای گذر از مشکل تلفیق داده‌های اولیه و ثانویه در گراند تئوری می‌توانند از رویکرد کوانتومی به گراند تئوری بهره‌گیرند.

محققان برای شناسایی عوامل مثبت و منفی مؤثر بر مقوله محوری تحقیق لازم است رویکرد کوانتومی را به کارگیرند زیرا رویکردهای قبلی به جنبه منفی عوامل توجه نداشته‌اند.

اقتضائات و پیامدها است. همچنین در رویکرد نظام‌مند الگویی برای درک بهتر نتایج تحقیق توسط استراوس و کوربین ارائه شد که شامل عوامل علی، عوامل میانجی، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها است. این دو الگو دارای ارتباطاتی با مقوله محوری است که به وسیله فلش‌هایی این ارتباطات مشخص شده‌اند. در رویکرد سوم به گراند تئوری یعنی رویکرد ساختارمند که توسط چارمز ارائه شد، الگویی ارائه نشده و دست محقق در رسم الگویی نهایی باز گذاشته شده است. انتقادی که می‌توان به الگوهای ارائه شده وارد دانست این است که در الگوهای ارائه شده توسط گلبر و استراوس و کوربین قسمتی تحت عنوان عوامل میانجی یا شرایط میانجی عنوان شده است. واژه‌شناسی واژه میانجی به این اشاره دارد که باید بین دو عامل قرار گیرد. اما در واقع عواملی وجود ندارد که عواملی بین آن‌ها قرار گیرد پس می‌توان گفت انتخاب واژه میانجی صحیح نیست. همچنین چون تعریف قابل‌اجرائی برای واژه میانجی ارائه نکرده‌اند تفکیک آن از عوامل زمینه‌ای دشوار است و تقریباً غیر قابل‌درک. در رویکرد کوانتومی برای درک بهتر عواملی که تأثیر اصلی بر مقوله محوری ندارند از واژه عوامل تسهیلگر استفاده شد.

در رویکرد کوانتومی به گراند تئوری الگوی برگرفته از شکل اتم و با خواص درهم تنیدگی کوانتومی ارائه شد که هر دو جنبه مثبت و منفی را در شکل‌گیری مقوله محوری آشکار می‌سازد و ضعف الگوهای پیشین را پوشش خواهد داد. در این الگو مقوله محوری تحقیق مانند هسته اتم در نظر گرفته شده است که حاصل متأثر از حرکت الکترون‌ها به دور خود است. اصل بنیادی نظریه درهم تنیدگی کوانتومی این است که الکترون دارای رفتار متضاد با یکدیگر هستند یعنی هسته اتم متأثر از رفتار متضاد الکترون‌ها به دور خود است. می‌توان استنباط کرد که مقوله محوری حاصل رفتار متضاد دودسته از عوامل است. اگر دسته اول را عوامل تشکیل‌دهنده بنامیم، دسته دوم عوامل بازدارنده هستند. پس در شکل‌گیری مقوله محوری تنها عوامل تشکیل‌دهنده دخیل نیستند بلکه حاصل جدال عوامل تشکیل‌دهنده و عوامل بازدارنده می‌باشد. به همین جهت الگویی با دو محور متضاد متصور شد که هر محور از چهار قسمت تشکیل شده است. محوری که جنبه مثبت در ایجاد مقوله محوری دارد شامل عوامل تشکیل‌دهنده، عوامل تسهیلگر، راهبردها و پیامدهای شکل‌گیری و محوری که جنبه منفی به مقوله محوری دارد شامل عوامل بازدارنده، عوامل تعدیلگر، موانع و پیامدهای عدم شکل‌گیری است.

پیشنهاد می‌شود محققان سایر رشته‌های علوم اجتماعی مانند روان‌شناسی، رویکرد کوانتومی را با یک کیس مطالعاتی مورد سنجش قرار دهند.

پیشنهاد می‌شود محققان سایر علوم مانند پزشکی و غیره رویکرد کوانتومی را مورد استفاده و سنجش قرار دهند.

محققان برای گذر از مسئله احصای سازمان‌دهی شده کدهای باز لازم است از فرایند کدگذاری چهار مرحله‌ای در رویکرد کوانتومی استفاده کنند.

پژوهشگران برای ارائه یک مدل جامع که در یک تصویر کل جنبه‌های نتایج را نمایش دهد لازم از الگوی نهایی رویکرد کوانتومی که شامل نه بخش است استفاده کنند.

References

- Afshar, Z., & Tabar, M.M. (2023). Application of Grounded Theory in Critical Realism Research Method in Critical Realism, *Methodology of Social Science and Humanities*, 29(115), 31-41. Dor: [10.30471/mssh.2023.8734.2348](https://doi.org/10.30471/mssh.2023.8734.2348)
- Al-Thaqafi, A., Hassan, A.-F., & Jarad, F. (2024). Role of Modern Management and Managerial Experience in Improving the Management of Government Organizations: by Applying to Ministry of Education in Taif. *International Journal of Financial, Administrative, and Economic Sciences*, 3(8), 96–137. <https://doi.org/10.59992/ijfaes.2024.v3n8p3>
- Birks, M., & Mills, J. (2015). *Grounded theory: A practical guide*. Sage.
- Charmaz, K. (2004). Premises, Principles, and Practices in Qualitative Research: Revisiting the Foundations. *Qualitative Health Research*, 14(7), 976–993. <https://doi.org/10.1177/1049732304266795>
- Charmaz, K. (2015). Grounded theory. *Qualitative psychology: A practical guide to research methods*, 3, 53-84.
- Charmaz, K. (2021). *The genesis, grounds, and growth of constructivist grounded theory*. In *Developing grounded theory* (pp. 153-187). Routledge.
- Charmaz, K. (n.d.). 32 Qualitative Interviewing and Grounded Theory Analysis. *Handbook of Interview Research*, 675–694. <https://doi.org/10.4135/9781412973588.d39>
- Charmaz, K., & Henwood, K. (2017). Grounded Theory Methods for Qualitative Psychology. *The SAGE Handbook of Qualitative Research in Psychology*, 238–252. <https://doi.org/10.4135/9781526405555.n14>
- Corbin, J. M. (1998). The Corbin and Strauss chronic illness trajectory model: an update. *Research and Theory for Nursing Practice*, 12(1), 33.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2014). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage publications.
- Fathi Najafi, T., Latifnejad Roudsari, R. (2016). The Role of Observation in Grounded Theory: A Narrative Review, *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 5(2), 221-229.
- FitzGerald, J., & Mills, J. (2022). The importance of ethnographic observation in Grounded Theory Research.
- Glaser, B. G. (1978). *Theoretical sensitivity: Advances in the methodology of grounded theory*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
- Mahajan, S. D. (2022). Kintsugi mind: clinicians can emerge from the pandemic whole. *International Journal of Whole Person Care*, 9(1), 18–19. <https://doi.org/10.26443/ijwpc.v9i1.324>
- Makri, C., & Neely, A. (2021). Grounded Theory: A Guide for Exploratory Studies in Management Research. *International Journal of Qualitative Methods*, 20(2). <https://doi.org/10.1177/16094069211013654>
- Masud, A., Borham, A. H., Huda, M., Rahim, M. M. A., & Husain, H. (2024). *Managing Information Quality for Learning Instruction: Insights from Public Administration Officers' Experiences and Practices*. In *Proceedings of the Computational Methods in Systems and Software* (pp. 41-49). Cham: Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-54820-8_5

- Mohajan, H. K., & Mohajan, D. (2023). Glaserian Grounded Theory and Straussian Grounded Theory: Two Standard Qualitative Research Approaches in Social Science. *Journal of Economic Development, Environment and People*, 12(1), 72–81. <https://doi.org/10.26458/jedep.v12i1.794>
- Olvera, J. G., & Avellaneda, C. N. (2019). Subnational Government Performance: Testing Multiple ii moooooo ff vvv oooo'' xx nnnnnnnn *Public Administration Review*, 79(3), 383–398. Portico. <https://doi.org/10.1111/puar.13035>
- Procedures for Developing Grounded Theory. <https://doi.org/10.4135/9781452230153>
- Qureshi, H. A., & Ünlü, Z. (2020). Beyond the Paradigm Conflicts: A Four-Step Coding Instrument for Grounded Theory. *International Journal of Qualitative Methods*, 19. <https://doi.org/10.1177/1609406920928188>
- Safargholi, A. (2024). International experience of a manager; toward a new conceptualization. *International Business Review*, 33(4), 102290. <https://doi.org/10.1016/j.ibusrev.2024.102290>
- Salari, A.M., & Ebrahimi, N. (2019). Providing a model for editing managers' experiences. *National Defense Strategic Management Studies*, 3(10) 361-387. Dor: [20.1001.1.74672588.1398.3.10.12.6](https://doi.org/10.1001.1.74672588.1398.3.10.12.6)
- Subjects, H. (2020). Methods of teaching lateral thinking in the elementary school curriculum. *Research in curriculum studies*, 1(1), 84-96. doi: [10.48310/jcdr.2022.2369](https://doi.org/10.48310/jcdr.2022.2369)
- Syed, M. (2023). *Black box thinking : why most people never learn from their mistakes-but some do*. (Translated by Sogol Qashqai, Milkan Publications: Tehran.
- Thornberg, R. (2017). *Grounded Theory*. The BERA/SAGE Handbook of Educational Research: Two Volume Set, 355–375. <https://doi.org/10.4135/9781473983953.n18>
- Tkachenko, A. (2023). Amnnv vvvvvwpppeeeeeeee .. aa nnnnmn nnoommgg tee llll llllllll 1 of future educational managers. *Vitoki Pedagogičnoi Majsternosti*, 31, 234–239. <https://doi.org/10.33989/2075-146x.2023.31.283435>
- Urcia, I. A. (2021). Comparisons of Adaptations in Grounded Theory and Phenomenology: Selecting the Specific Qualitative Research Methodology. *International Journal of Qualitative Methods*, 20(1), 160940692110454. <https://doi.org/10.1177/16094069211045474>